بررسی ادعای انحصار تواتر در قرائات سبع توسط ابن مجاهد

ولی صحبت سر این است که ابن مجاهد که در بغداد میخواست هفت قرائت را جا بیاندازد چه کار کرد. در صفحه فدکیه برای آن عنوانی زده‌ام؛ مقدمه کتاب السبعة ابن مجاهد؛ پایین صفحه بروید و ببینید که ابن جزری در منجد المقرئین از دست او چه نالـه هایی دارد. تنها او نه، بلکه سائر بزرگان در طول تاریخ. کاری کرده که داد آنها از دست ابن مجاهد درآمده. ابن جزری جمله‌ای میگوید که عجیب است. ابن جزری میگوید ابن مجاهد بزرگ بود و من حرفی ندارم. بعد میگوید اما خودش را در جایی نشاند که آن مقام برای او نبود[1]!

چرا به این صورت میگوید؟ نکته را ببینید. میگوید آقای ابن مجاهد شما در مقدمه کتابتان میگویید من هفت قرائتی را میآورم که اهل الامصار بر قرائت آنها هستند. اینها متواتر هستند و همه بلدا آنها را میخوانند. بعد میگوید تو از بغداد بیرون نرفتی، کجا خبر از امصار داری؟! بعد میگوید تو اگر از بغداد بیرون رفته بودی نمی آمدی یعقوب را عوض کنی و به جای آن کسائی را بگذاری. بخاطر این کارهایی که کرده خیلی به او اعتراض میکنند. میگوید شما از بغداد بیرون نرفتی و خبر از امصار نداری، چطور میگویی اهل المصار؟! یعنی خودت را به این صورت قراردادی که قرائت اهل الامصار را تثبیت کنی و حال آنکه تو امصار را ندیدی و از آنها خبر نداری.

جالب است بعد از اینکه از او اینطور ایراد میگیرد، ذهبی می آید از ابن مجاهد دفاع میکند. دفاعی که کار را بدتر میکند. میگوید انصاف این است که وقتی ابن مجاهد حج رفته، در آن جا زدن مقرئین مکه اقراء دیده. یعنی حرف را تثبیت میکند که ابن مجاهد از مکه بیرون نرفته است!

منظور اینکه ابن مجاهد کار خیلی عجیبی کرده. ما که هر چه جلو رفتیم و هر چه بیشتر فکر میکنیم، میبینیم خیلی نالقل بوده! می فهمیده که دارد چه کار میکند. حتی -این قسمت را بیشتر نمیدانم- اما شاید در انتخاب آن افراد هم خیلی زرنگی کرده. اما فعلاً این را احتمالاً عرض میکنم. ابن مجاهد به این صورت بود. خیلی کار کرد. بعد از او هم جا گرفت. وقتی تنها حدود صد سال از کار ابن مجاهد گذشته، مهدوی داد میزند؛ در النشر ببینید. داد میزند و میگوید ابن مجاهد چه کار کرده؟! چیزهایی که زدن اهل فن قرائات واضح است که درست است را اگر زدن مردم بخوانیم میگویند که کافر شده‌ای! چرا؟ چون ابن مجاهد کاری کرده و میگوید سبعة احرف کلام خدا است و

اینها هم قراء سبعه هستند. هر کسی خلاف این قراء سبعه دهن باز کند، کتاب خدا را تحریف کرده و کافر است. مقصود ابن مجاهد همین بود. کام الخلأ بین سال دویست و سیصد را پر کرد و فهمید چه کار کند. تیسیر هم بهدنبال او آمد. پنج-شش قرن بعد النشر نوشته شد.

میخواستم چند مطلب را عرض کنم، که بخشی از آنها بیان شد. شما اینها را یادداشت بفرمایید و هر کدام از آنها که نیاز به تکمیل داشت، بفرمایید.

---

[1]منجد المقرئين ومرشد الطالبين (ص: 82)؛ قلت: والحق أنه لا ينبغي هذا القول وابن مجاهد اجتهد في جمعه فذكر ما وصله على قدر روايته فإنه رحمه الله لم تكن له رحلة واسعة كغيره ممن كان في عصره غير أنه رحمه الله ادعى ما ليس عنده فأخطأ بسبب ذلك الناسكان الخلق إذ ذاك يقرؤن بقراءة أبي جعفر وشيبة وابن محيصن والأعرج والأعمش والحسن وأبي الرجاء وعطاء ومسلم بن جندب ويعقوب وعاصم الجحدري وغيرهم من الأئمة، وقد تقدم ذكر الذين كانوا يقرؤن زمن مشيخته بقراءة أبي جعفر ويعقوب وخلف نحو خمسين شيخا فكيف يقول: إنه مخبر عن القراءات التي عليها الناس بهذه الأمصار، وقد قال أبو علي الأهوازي، وغيره: وه الذي أخرج يعقوب من السبعة وجعل مكانه الكسائي؟ قيل: لأن يعقوب لم يقع إسناده له إلا ان الزل، وأما جعفر فلم تقع له روايته وإلا فهو قد ذكر لأبي جعفر في كتابه السبعة من المناقب ما لم يذكره لغيره.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 مارس 2024 15:50:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مه 2024 14:37:10 توسط ... .